



خانواده: بزرگ‌ترین پشتیبان

به اهمیت کار پدر واقف شوند، بلکه غروری که باید از داشتن چنین پدری داشته باشند را نیز احساس کنند. و چه زیبا و فداکارانه از این می‌گوید که اگر باز هم چنین ماموریتی باشد، حتما راضی خواهد بود چون برای امنیت بیشتر میهن و سربلندی کشور و محافظت از آن است.

خانم کهیارپور، همسر ناوبان یکم فریبرز مرادی در ناوبندر مکران نیز از خودش و وضعیت فرزندانش در هنگام حضور همسرش در ناوگروه ۷۵ برای ما گفت. از این که نیروی دریایی با اجرای برنامه‌هایی شاد و سفر زیارتی، سعی کرده بار این دوری را سبک کند و همان حس همیشگی سربلندی بابت داشتن چنین همسری که باز از خود گذشتگی برای میهن درس فداکاری و صبر به فرزندان و نسل آینده‌اش می‌دهد. او از این که همسرش توانسته کاری برای این کشور کند، احساس غرور و سرافرازی دارد و لحظه‌شماری می‌کند تا این حس زیبا را با همسرش در بازگشت به اشتراک بگذارد.

خانم اسکندرلو که همسرش کارمند است و در ناوبندر مکران خدمت می‌کند، نیز می‌گوید: «۲۰ سال در کنار همسر فداکارم زمان‌های طاقت‌فرسایی را تحمل کردیم و این ماموریت هم بخش دیگری از این زندگی پرفرازو نشیب بود.» او از دلتنگی‌هایی می‌گوید که در تماس‌های تلفنی خود با همسرش در میان گذاشته و البته حرف‌های امیدوارکننده‌ای که تحمل این ۴ ماه را برای هر دو طرف آسان‌تر کرد. خانم اسکندرلو می‌گوید: «درمورد بچه‌ها سعی کردم جای خالی پدر را احساس نکنند چون باور کرده بودند که پدرشان برای خدمت به این ماموریت بزرگ رفته و باعث افتخار آن‌ها و کشور است.» از او پرسیدیم حس درونی شما در مورد این که همسر یکی از اعضای این ناوگروه تاریخ‌ساز هستیید، چیست؟ پاسخ جالبی داشت و گفت: «حس این که همسر م در راه خدا قدم برداشته خوشحالم می‌کند

بای در ددل همسران صبور پرسنل ناوگروه ۷۵

خانم مصطفایی، همسر ناوسروان امیر صالحی زاده که در ناوشکن سهند در این ماموریت انجام خدمت کرده، رمز تحمل سختی‌های این دوری را توکل به خدا و نیروی عشق به همسر و فرزندانش می‌داند و از نیروی دریایی متشکر است چون معتقد است این نیرو آنچه در توان داشته، برای کاهش رنج این خانواده‌ها به کار گرفته، از جمله سفر زیارتی به مشهد. او از ارتباط تلفنی با همسرش هم می‌گوید و این که مدام بر مراقبت از خود و بچه‌ها تاکید داشته است. نکته مهم دیگر آرام کردن بچه‌ها در هنگام سفر است که خانم مصطفایی برای این کار هم بهترین اقدام یعنی آگاه کردن بچه‌ها به کار مهمی که پدرشان انجام می‌دهد پرداخته، تا نه تنها

وقتی صحبت از نیروی دریایی و دریا می‌شود، بی‌اختیار یکی از مسائلی که مورد سوال است و بی‌شک از سختی‌های کار در دریا به‌شمار می‌آید، وضعیت خانواده‌های پرسنلی است که از یک‌سو باید دوری‌های چند ماهه را طاقت بیاورند و از سوی دیگر عموماً در شهرها و مناطقی به‌سبب کار همسرانشان اسکان دارند که ممکن است صدها کیلومتر از محل تولد و حضور اقوام و بستگان‌شان دور باشند. این موضوع در مورد یکی از طولانی‌ترین ماموریت‌های نداجا که اقیانوس اطلس است و ۴ ماه به طول انجامیده، بیشتر خود را نشان می‌دهد. به همین خاطر برای زینت‌بخشی به این ویژه‌نامه، با تعدادی از خانواده‌های پرسنل ناوگروه ۷۵ صحبت کردیم تا از سختی‌ها و حس و حالشان بگویند، از این که چگونه این دوری را تحمل کردند و نیروی دریایی به عنوان سازمان موظف به آن‌ها چه خدماتی ارائه کرد. این گفت‌وگوها یک درس بزرگ و یک نتیجه‌گیری مهم برای ما داشت و آن صبر ستودنی این خانواده‌ها بود که در جای جای سخنان همسران پرسنل نیروی دریایی دیده و شنیده می‌شد. جهادی بزرگ در کنار سربازان وطن که ریشه در اعتقادات عمیق و انگیزه‌هایی الهی دارد. اگر چه مشکلات معیشتی و رفاهی این خانواده‌ها نیز کم و بیش وجود داشته و حتماً باید مورد توجه مسئولان ارشد نیروی دریایی قرار گیرد اما این عزیزان شکوه و گلایه‌ای در این خصوص نداشتند و تحمل همه مشکلات در کنار همسرانشان را افتخاری برای خود و اجر و ثوابی برای آخرت توصیف می‌کردند، تا جایی که به نظر رسید این همسران پرسنل ناوگروه هستند که بزرگ‌ترین پشتیبان و حامی پرسنل بعد از خدای بزرگ به شمار می‌روند و اگر نبود این صبر زین‌وار آن‌ها، شاید انجام این ماموریت تاریخی و پرخطر نیز به این شکل عملی نمی‌شد.



این گفت‌وگوها یک درس بزرگ و یک نتیجه‌گیری مهم برای ما داشت و آن صبر ستودنی این خانواده‌ها بود که در جای جای سخنان همسران پرسنل نیروی دریایی دیده و شنیده می‌شد. اگر چه مشکلات معیشتی و رفاهی این خانواده‌ها نیز کم و بیش وجود داشته و حتماً باید مورد توجه مسئولان ارشد نیروی دریایی قرار گیرد